

یادداشتی از سام صالحی بختیاری

انسان تمدن رسانه

در این یادداشت نمی‌خواهم بگویم که رسانه و فضای مجازی بد است و حتی نمی‌خواهم بگویم که خوب است بلکه می‌خواهم بگویم مانند چاقویی دو لبه و مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصتهاست، اما یادمان باشد در طول تاریخ و مخصوصاً در جوامع صنعتی همواره رسانه‌ها در اختیار صاحبان قدرت و قشر کاپیتالیست بوده‌است و وظیفه اصلی‌شان القای تفکرات این اقشار به مخاطب و به تعبیری سرگرم‌سازی و انحطاط مخاطبان بوده تا به نیروی کاری فاقد تفکر و اندیشه تبدیل شوند.

به گزارش خبر، سام صالحی بختیاری کارشناس و فعال رسانه در یادداشتی ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "انسان تمدن رسانه" آورده است:

تمدن از جایی شکل گرفت که انسان‌ها متوجه شدند به یکدیگر نیازمندند و برای بقا باید با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، آنجا بود که چوب و چماق‌هایشان را پشت در گذاشته و وارد شهر تمدن شدند، رفته رفته برای ایجاد و کنترل یک جامعه متمدن قوانینی وضع شد و اعمالی مورد نكوهش قرار گرفت و افرادی که بر هر دلیلی این قوانین را رعایت نکردند مجازات یا از جامعه ترد شدند.

فریود پدر علم روانکاوی، تمدن را مجموعه دستاوردها و نهادهایی معرفی می‌کند که ما را از زندگی اسلاف حیوانی مان دور کرده و دو هدف دارد حفاظت از انسان در برابر جبر طبیعت و تنظیم روابط میان انسان‌ها....

فریود تمام فعالیت‌های انسان از تولد تا مرگ را تحت تاثیر دو عامل (سائق) درونی معرفی می‌کند که همواره با یکدیگر در تضاد بوده و برتری یکی بر دیگری می‌تواند رفتار و شخصیت فرد را تعیین کند، سائق عشق که بر اساس لذت فعالیت می‌کند و هدف آن اتصال و همبستگی جوامع بشری است که باعث صیانت نفس می‌شود و در مقابل آن سائق مرگ که هدف آن ویرانی و انفصال جوامع بشری است.

یک انسان برای اینکه زندگی مقبولی داشته باشد باید در راستای ارضای هر دو سائق خویش قدم بردارد و همواره تعادل را میان آن‌ها حفظ کند.

تمدن در این راه نقش مهمی ایفا می‌کند، انسان موجودی اجتماعی است و تمدن بستر خوبی برای برقراری ارتباط با دیگران و ارضای سائق‌هاست، اما تمدن دارای قوانین و دستورالعمل‌هایی است که اجازه ارضای بعضی سائق‌ها را نمی‌دهند انسان دارای روحیه بی‌نهایت طلب است و دوست دارد که سائق‌های خویش را به کمال ارضا برساند اما تمدن با استفاده از قوانین و محدودیت‌ها کنترل سائق‌ها را به دست گرفته است فریود نام این پدیده را ملامت‌های تمدن می‌گذارد.

عمده مشکلات انسان به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- مشکلات با جبر طبیعت: انسان همواره موجودی ضعیف و فانی، محدود به زمان و مکان و در برابر طبیعت جبرگرا حقیر و ناتوان است

۲- مشکلات با خود: در اثر عدم خودشناسی و نداشتن ارتباط با ذات و درون خود

۳- مشکلات با جامعه: بر اثر عدم توانایی برقراری ارتباط با دیگران و محدودیت‌های ایجاد شده در جامعه...

پس انسانی که از ملامت‌های تمدن خسته شده، در ارتباط با خود و جامعه مشکل داشته و با توجه به میل بی‌نهایت طلبش نمی‌خواهد موجودی ضعیف و محکوم به فنا باشد از جامعه ترد می‌شود و می‌کوشد دنیایی بسازد که همواره خودش در آن تنها قوه قهار باشد و نتیجه اش می‌شود دنیای رسانه‌ها و فضای مجازی.

به تمدن مجازی خوش آمدید در اینجا دیگر انسان محدود به زمان و مکان نیست، چارچوب و قانونی نداشته و اثری ابدی از خود به جای می‌گذارد در واقع با ایده آل‌ترین نسخه خود مواجه بوده و همه چیز در راستای لذت و کمال ارضای سائق‌هاست، پس چرا باید از این دنیای مجازی خارج شود و با ملامت‌های تمدن سر و کله بزند؟ و این ماجرا تا جایی ادامه پیدا می‌یابد که فرد مرز بین جهان واقعی و مجازی را تشخیص نمی‌دهد و به پوچی می‌رسد، بشر توانسته بود توازن خوبی میان دو سائق برقرار کند اما آزادی بی‌حد و مرز رسانه‌ها کار را خراب کرد و هرچه رشته بودیم پنبه شد.

در این یادداشت نمی‌خواهم بگویم که رسانه و فضای مجازی بد است و حتی نمی‌خواهم بگویم که خوب است بلکه می‌خواهم بگویم مانند چاقویی دو لبه و مجموعه‌ای از تهدیدها و فرصتهاست، اما یادمان باشد در طول تاریخ و مخصوصاً در جوامع صنعتی همواره رسانه‌ها در اختیار صاحبان قدرت و قشر کاپیتالیست بوده‌است و وظیفه اصلی‌شان القای تفکرات این اقشار به مخاطب و به تعبیری سرگرم‌سازی و انحطاط مخاطبان بوده تا به نیروی کاری فاقد تفکر و اندیشه تبدیل شوند.